

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبا هنگ راد

۱۱/۰۲/۰۵

دیروز تونس، امروز مصر، فردا ...

فضای شمال افریقا و خاورمیانه دستخوش تغییرات چندی گردیده است. پیشاپیش بعضاً حاکمان منطقه سیاست عقب را در پیش گرفته‌اند و با وحشتی صد چندان، تغییرات چندی را به توده‌های دردمند نوید داده‌اند!! فرمان عقب و عزل از مقام و منصب، نشانه‌ی ترس و وحشت حاکمان زورگو از خیزش مردم رنج‌دیده منطقه است. ریشه همه این‌ها به زندگی نکبت‌بار ملیون‌ها انسان زحمتکش بر می‌گردد. همه این‌ها به ناتوانی مردم از تهیه نیازهای اولی زندگی‌شان مربوط می‌شود. دنیا دیروز شاهد یکبار چگی اعتراضات مردم تونس بود و هنوز کرکره خبرگزاری‌های امپریالیستی از انتشار اخبار نوشتاری و تصویری مردم تونس پائین کشیده نشده است که خبری دیگر و آن‌هم در ابعادی گسترده، به سر تیتیر خبرگزاری‌ها و بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی تبدیل گردیده است.

درگیری‌های چند روزه مصر جرقه دیگری برای قدرت‌مداران امپریالیستی بود. جهان‌خواران و حافظان "نظم نوین جهانی" هنوز از طغیان مردم به پاخاسته تونس رها نشده‌اند، که مردمان و جوانانی دیگر و با خواسته‌های به حق و مشابه، به میدان آمده‌اند و خواهان مطالبات به یغما برده خود از ظالمان و جانپان بشریت‌اند. شعارها و خواسته‌ها شباهت زیادی به هم دارند. همه نان و آب و کار می‌خواهند و همه از زورگویی‌های رژیم‌ها و سرکوبگری‌های‌شان کلافه شده‌اند و بیش از این تحمل، مشقات و بدبختی‌های دست‌ساز سرمایه‌داران مفت خوار را ندارند. نمی‌خواهند بیش از این زیر بار خواسته‌های بی انتهای سرمایه‌داران بروند و یک لحظه خواهان ادامه حکومت جانپانی هم‌چون "مبارک" و دیگر دار و دسته‌های‌شان نیستند. ماهیت و اعمال این رژیم‌ها برای ملیون‌ها انسان رنج‌دیده شمال افریقا و خاورمیانه رو شده است. در حقیقت فضای جهان در چند هفته اخیر تغییر یافته و زنگ خطری شده است برای همه جانپان و استثمارگران دنیا.

در چنین فضائی بار دیگر واژه انقلاب، بر سر زبان‌ها افتاده است و همین امر باعث گردیده است تا بر نگرانی‌های قدرت‌مداران جهانی افزوده گردد. بیهوده نیست که کامرون نخست وزیر انگلیس فریاد بر می‌آورد که "مردم مصر دموکراسی می‌خواهند و خواهان انقلاب نیستند". چرا که می‌دانند ورود به چنین پروسه‌ای به معنای نابودی و سوزاندن قوانین ارتجاعی و دست و پا گیر طبقه سرمایه‌داری است. می‌خواهند مانع چنین روندی شوند و می‌خواهند

با به میان کشیدن عناصر وابسته بخود و با تغییرات صوری و با رفرم، خشم و غضب ملیون ها انسان فروکش نماید. کاملاً خطر را احساس نموده اند و به همین دلیل است که - در دو جبهه، یعنی هم با سرکوب علنی - و این بار تحت لوای لباس شخصی ها - و هم با گسیل عناصر وابسته به خود، به صفوف اعتراضات مردمی و با کنار نهادن ارتش مصر از سرکوب مستقیم مردم -، سیاست های شان را به پیش می برند تا حاکمیت سرمایه دست نخورده باقی بماند. خلاصه این که اوضاع منطقه در هم ریخته است و حباب ثبات و امنیت سرمایه داران ترکیده شده است. مردم وارد صحنه شده اند و یکی پس از دیگری خواهان مطالبات پایه ای خویش از حاکمان اند. امیدهای فراوانی این روزها در میان توده های ستمدیده دنیا و به ویژه شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه به وجود آمده است. سکوت سیاسی چندین دهه کشورهای هم چون تونس، یمن، مراکش و مصر شکسته شده است و اعتراض و جوشش بر فضای جوامع خفقان زده حاکم گردیده است. به موازات آن ها تظاهرات و تلاش های محیلانه اربابان جهانی هم این روزها صد چندان شده است و بارها و بارها به مردم اعلام می نمایند که "حاکمان پیام شما را شنیده اند و به خانه ها و به سر کارهای تان بر گردید". اما خیابان ها همچنان، غرق در آتش و خون است. صف ها شکل گرفته است و جنگ تن به تن و نابرابر در منطقه، که ریشه دیرینه دارد، ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. با اسب و شتر، سنگ و چوب و چماق و گلوله به جان مردم بی سلاح افتاده اند. دیروز بر سر مردم تونس این بلا را آورده اند و امروز به جان صدها تن از مردم مصر تعرض می نمایند و فردا

به بیانی دیگر مسلم است که بروز اعتراضات و جوشش های چند ماهه، معادلات و روابط ناعادلانه را زیر و رو کرده است و معماران سرمایه دریافته اند که سرکوب و بستن فضای سیاسی جامعه، بیش از این قادر به پیشبرد سیاست های شان نیست. به همین دلیل است که بعد از گذشت چند روز از اعتراضات خیابانی جوانان و مردم مصر، حامیان دیرینه مبارک -خلاف خواسته وی -، فرمان تغییرات سریع در مصر را سر داده اند و مهره های تازه نفس را به منظور انجام وظایف ارتجاعی شان به صف نموده اند. به هر طریق ممکن می خواهند آرامش را به خیابان ها باز گردانند. از یک طرف جوشش و طغیان عجیب و غریبی در این کشورها حاکم گردیده است و از طرف دیگر خلاء عجیب و غریبی هم به چشم می خورد و علی رغم پیشرفت ها و دستاوردها، بیم ها و نگرانی های فراوانی بر اعتراضات مردمی سایه انداخته است و خاموشی و به انحراف کشاندن جنبش های اعتراضی خودبه خودی، نامحتمل نمی باشد.

مردم در صحنه اند و بدون رهبری به جنگ با دشمنان شان برخاسته اند. به عبارتی حقیقی تر میدان خالی از احزاب و سازمان های سالم و کمونیستی ست. خود فروختگان، رفرمیست ها و حامیان سرمایه در این میان فرصت را مغتنم شمرده و به صفوف مردم رخنه نموده اند و می خواهند امر و روند انقلاب را به تأخیر بیندازند. به موازات آن ها هم ارتش مصر را به عنوان "ارتش مردمی" به خورد جنبش های اعتراضی می دهند و می خواهند به تطهیر این ارگان سراپا مسلح و حافظ بقای سرمایه های امپریالیستی بپردازند. در چنین چهارچوبه ای ست که یکی از پیشنهادات البرادعی تشکیل شورای موقت سه نفره که یکی از آنان از سرکردگان نظامی می باشد را به بزرگان سرمایه ارائه می دهد. بیم آن می رود که این سیاست و از این دست سیاست ها به عنوان سیاست عمومی و جا افتاده مردم مصر و منطقه قرار گیرد و مهمتر از آن این که مردم، ارتش سرکوبگر را از آن خود بدانند؛ ارتشی که چندین دهه و در راستای سیاست های طبقات استعمارگر و سرکوبگر، مانع خیزش ها و اعتراضات توده های ستمدیده گردیده است؛ ارتشی که علی رغم "مشروع" و به "حق" دانستن خواسته ها و مطالبات مردمی، دستور عدم "خشونت" از جانب

مردم و جوانان را صادر می‌کند و در دوران کُشت و کُشتار مردم از جانب مدافعان سرمایه، اعلام "بی‌طرفی" می‌نماید.

همه این‌ها از زمره حیل‌های سرمایه‌داران از شعله‌ور شدن هر چه بیشتر اعتراضات توده‌ئی‌ست. همه این‌ها در خدمت به تخطئه و فریب خیزش‌های مردمی‌ست. شکی در آن نیست که ارتش‌های جهان سرمایه‌داری، حافظ بقای طبقات حاکمه‌اند و تحت هیچ شرایطی سیاست‌های‌شان در خدمت به طبقات فرودست نیست. مسلم است که ترویج چنین ایده‌هایی در جهت انحراف افکار جوانان و جنبش‌های اعتراضی‌ست. این آن سیاست محیلانه و موزیان‌هایست که اتاق فکر سرمایه‌داران جهانی پیشه خود ساخته‌اند تا مبادا روزی گوشه‌ای از نظم چیده شده آنان در منطقه در هم ریزد. این‌ها، آن بیم‌ها و نگرانی‌هایی‌ست که بر جنبش‌های اعتراضی شمال آفریقا و خاورمیانه سایه انداخته است و به همین دلیل مقابله با آن‌ها و توضیح ماهیت واقعی نقشه‌های شوم امپریالیست‌ها و حامیان ریز و درشت‌شان، از زمره اولویت‌ها و ضرورت‌هاست.

۴ فبروری ۲۰۱۱

۱۵ دلو [بهمن] ۱۳۸۹